

برای داشتن یک عکس خوب نیاز به دانستنی هایی داریم که به آن ها می پردازیم....

ترکیب بندی یا کمپوزیسیون (Composition):

در هم آمیختن بخش ها یا عناصر جداگانه و ایجاد بخشی کلی را ترکیب بندی گویند. در عکاسی برای گرفتن عکسهای خوب، وجود چنین تفکری لازم و ضروری است.

■ قانون یک سوم

قولهاست که قانون یک سوم در ترکیب بندی مورد استفاده قرار میگیرد و شاید مهمترین قانون و روش ترکیب بندی باشد. قانون یک سوم به این شکل اجرا میشود که کادر، به یک جدول 3×3 تقسیم می شود. نقاط تلاقی خطوط عمودی و افقی، بهترین جا برای قرار گرفتن بخش های مهم تصویر به شمار می آیند. با قرار دادن بخش مهم تصویر خود در یکی از این ۴ نقطه تلاقی، موضوع عکس خود را در موقعیتی بسیار جذابتر از زمانی که آنرا درست در وسط کادر بگذارید، قرار میدهید.

این روش در زمانی که عکس شما بیش از یک سوژه مهم دارد نیز بسیار مفید است. این نقاط حتی در حالتی که بیش از یکی از آنها مورد استفاده قرار بگیرد هم، کارایی دارند.

استفاده دیگر از این خطوط فرضی، در زمانی است که بخواهید کل تصویر را تنظیم کنید، محل خط افق را انتخاب کرده یا جهت نگاه سوژه و... را مورد بررسی قرار دهید. این قانون، در واقع شکل ساده قانون تقسیمات طلایی است که در تمام عکس ها و آثار ناشی بزرگان هنر، به نحوی، رعایت شده است.



■ بریدن دنباله سوژه

یک قانون کلی این است که در عکس سوژه‌اتان را در محل‌های اتصال اعضا یا اجزاء به آن قطع نکنید. اگر می‌خواهید کادر بسته‌ای داشته باشید، مطمئن شوید که دست، آرنج، زانو یا بخش‌هایی جزئی از سوژه را قطع نکرده‌اید. اگر پاها را در کادر قرا داده‌اید، مراقب باشید انگشتان را نبرید. اگر بازوها را در کادر دارید، آرنج را هم در کادر بگیرید. هرگز دستها را در محل انگشتان قطع نکنید.



■ عکسی با ارتفاع بالاتر از سوژه

وقتی از عکس‌هایی استفاده می‌کنید که ارتفاع کمتری از دوربین دارند، به طور کل سوژه بسیار کوچک و غیر مهم جلوه می‌کند. همین‌طور در عکاسی از سوژه یک مصاحبه اگر از بالا عکس بگیرید عکس‌هایی اتفاقی و نه چندان جالب به نظر خواهند آمد. دوربین را پایین ببرید و هم ارتفاع با سوژه عکس بگیرید. آنگاه از نمای به دست آمده لذت خواهید برد.



■ بریدن سایه یا انعکاس

اگر سایه یا انعکاسی از سوژه روی زمین است، یا تمام آنرا بگیرید یا هیچ چیز آنرا.

■ سوژه در حال قدم زدن یا نگاه کردن به خارج کادر است بجای داخل آن.

سوژه شما باید بدرون عکس نگاه نماید تا نگاه بیننده را به داخل هدایت کند، نه اینکه با نگاه به خارج توجه بیننده را از عکس خارج نماید. اگر در جلوی سوژه اتان فضای خالی نگذارید، بیننده می خواهد بداند سوژه به کجا می نگرد و یا بکجا می رود. بیننده برای درک عکس و اینکه داستانی در ذهنش شکل بگیرد، باید قادر به فهم شرایط باشد.



■ افقی یا عمودی

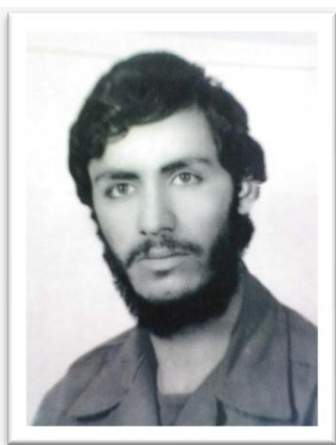
چه موقع عکس را افقی و چه موقع عمودی بگیریم؟ ساده است. اگر سوژه بیشتر از آنکه دراز باشد، پهن است، عکس را افقی و اگر ارتفاع سوژه بیشتر از عرض آن است، عمودی بگیرید. این اشتباه درجه یک آماتورها در عکاسی است. برای جلوگیری از دیده شدن اجزاء ناخواسته در عکس، کادر را بسیار بسته می گیرند و حتی دوربین را کمی می چرخانند تا سوژه بهتر در کادر قرار گیرد!

■ نورسنجی

وقتی نور مناسب باشد در عکس رنگها درست به نظر می رسند، سفیدها سفید و سیاهها سیاه هستند. وقتی روی یک سوژه که دارای طیف های متوسطی است فوکوس می کنید دوربین کار خودش را درست انجام می دهد. ولی اگر بخواهید از یک خرس قطبی سفید یا یک سگ سیاه عکس بگیرید چه؟ یا عکس بسیار روشن خواهد شد یا خیلی تیره و یا همه چیز خاکستری می شود.

■ همه چیز در چشمهاست

می گویند وقتی از یک حیوان عکاسی می کنید، همه چیز در چشمها قرار دارد. همه سوژهها نیاز نیست مستقیماً به دوربین خیره شوند، اما باید بتوانید چشمها را ببینید. همچنین، اگر می توانید چشمها را در عکس ببینید باید در دید کامل باشند تا عکسهای شما تاثیرگذار باشند. وقتی با کسی سخن می گوئید، در چشمها نگاه نمی کنید؟ به همین صورت، از چشمها برای ارتباط برقرار کردن با سوژه استفاده می کنیم و دیدگاهی از احساس و افکار آن بدست می آوریم. چشمها منتقل کننده احساسند و بدون آنها در عکس انتقال احساس صورت نخواهد گرفت.



■ انعکاس نور در چشم

منظور از انعکاس نور در چشم نورهای کوچکی هستند که هنگامی که نور به چشم می‌تابد در چشم دیده می‌شود. دیدن این نورها در چشم بسیار لذت بخش است و حتی داشتن آنها در عکس ضروری است. این نورها به چشم‌ها حالت زنده بودن می‌دهند. معمولاً این نورها با نور خورشید یا فلاش ایجاد می‌شود. در این مورد شدیداً توصیه می‌شود که مطمئن شوید که این نورها در چشم سوژه شما وجود داشته باشد، چون بدون آنها چشم‌ها بسیار بی‌روح و عروسکی به نظر می‌رسند. البته ممکن است در شرایطی خاص به خاطر القای یک حس ویژه نیاز به حذف این نورها باشد. هر قاعده‌ای استثنایی هم دارد.

■ سادگی

سادگی، به این معناست که اطلاعات تصویری موجود در یک عکس را تا حد امکان ساده نگهداریم. اگر موضوع اصلی عکس شما در بخش جلوی کادر و نزدیک به دوربین قرار دارد، باید تا حد امکان پس زمینه این سوژه را خلوت و ساده بگیرید تا چشم بیهوده به سمت جزئیات ناخواسته کشیده نشود. شما باید بخشهای بی‌اهمیت را فاقد جذابیت نمایش دهید تا آنچه حائز اهمیت است، کاملاً توجه بیننده را جلب کند. به خصوص باید از پس زمینه یا فضایی که خطوط متعددی در آن است اجتناب کنید. زیرا خطوط به سادگی چشم را به دنبال خود کشانده و از موضوع دور می‌کنند.

■ قاب بندی

تعیین قاب کادر یا فریم **frame** تدبیری است که در طی آن عکاس با استفاده از عوامل موجود در صحنه، معنای بیشتری به سوژه خود می‌بخشد. این قاب می‌تواند هر چیزی باشد، چند بوته، درختان، یک پنجره یا یک درب، همه می‌توانند قابی دیگر در قاب اصلی عکس ایجاد کرده و توجه بیننده را به موضوع اصلی معطوف نمایند.

■ بافت

بافت میتواند تا حد زیادی بر جذابیت عکس بیافزاید. هنگامی که بیننده بافت یک جسم را در عکس ببیند، تخیل خود را بیش از پیش به کار انداخته و تصور لمس این جسم را در مغز خود ایجاد می‌کند. اینکار مخاطب را بیش از پیش وارد دنیای عکس می‌کند. بافت، به خصوص هنگام عکاسی از صخره‌ها، دیوارها، سطوح مختلف، دستها و برگ درختان تاثیر گذار خواهد بود. برای اینکه از قابل رویت بودن بافت اجسام در عکس اطمینان یابید، باید نور را تا طوری تنظیم کنید که از کنار بر سطح بتابد و با ایجاد نور و سایه، بافت سطح را به نمایش بگذارد.



■ خطوط هادی

خطوط هادی، برای هدایت چشم به سمت موضوع اصلی یا وارد عمق تصویر کردن بیننده مورد استفاده قرار می‌گیرند. خطوط مستقیم، منحنی، موازی یا اریب همه در افزایش توجه نقش عمده‌ای دارند. جاده‌ها، رودخانه، نهر، پل، شاخه‌ها یا ردیف نرده‌ها همه نمونه‌هایی از موارد بیشمار خطوط جذاب در تصویر هستند. توجه کنید که خطوط هادی، با خطوط بی‌هدفی که توجه را از سوژه دور میکنند و در بخش "سادگی" مورد اشاره قرار گرفته‌اند، متفاوت هستند.

• رنگ چیست؟

در سال ۱۶۶۶، اسحاق نیوتن، دانشمند نامدار انگلیسی، کشف کرد که چنانچه نور خالص سفید از یک منشور عبور داده شود، به رنگ‌های قابل رؤیت تجزیه می‌شود. نیوتن همچنین کشف کرد که هر رنگ از یک طول موج منحصر به فرد تشکیل شده و قابل تجزیه به رنگ‌های دیگر نیست. رنگ‌ها، احساسات و عواطف را به عکس وارد می‌کنند. ترکیب بندی رنگهایی خاص می‌تواند موجب بهت و حیرت بیننده شوند. رنگ‌ها می‌توانند هر نوع تاثیر و تاکید را ایجاد کنند. اما باید مراقب باشید که با بازی رنگها، توجه را از موضوع اصلی دور نکنید.

• تاثیرات رنگ‌ها از نظر روان‌شناسی

با وجودی که اثر رنگ‌ها تا حدودی ذهنی است و در مورد اشخاص مختلف فرق می‌کند اما برخی از تاثیرات رنگ‌ها دارای معنی یگانه‌ای در سراسر جهان هستند. رنگ‌هایی که در طیف رنگ‌ها در ناحیه قرمز قرار دارند به عنوان رنگ‌های گرم شناخته می‌شوند که این دامنه‌اش از احساسات گرم و صمیمانه تا احساس خشم و عصبانیت متغیر است.

رنگ‌هایی که در ناحیه رنگ‌های آبی طیف قرار دارند، رنگ‌های سرد نامیده می‌شوند و شامل آبی، ارغوانی و سبز هستند. این رنگ‌ها معمولاً آرامش بخشند اما گاهی نیز ممکن است احساس غمگینی و بی‌تفاوتی را به ذهن آورند.

• روان‌شناسی رنگ‌ها:

- ✓ از رنگ قرمز برای تمرکز بدن و ذهن و افزایش تمرکز استفاده می‌شود.
- ✓ از رنگ زرد برای تحریک اعصاب استفاده می‌شود.
- ✓ از رنگ نارنجی برای بالا بردن سطح انرژی استفاده می‌شود.
- ✓ رنگ آبی جزء رنگ‌های سرد می‌باشد. این رنگ اولین و مهمترین رنگ آرامش دهنده است. رنگی که آرامش فکری و جسمی، اطمینان خاطر درونی و اعتماد به نفس را گسترش می‌دهد.

۱. روان‌شناسی رنگ سیاه

سیاه تمام نورها در طیف رنگ‌ها را جذب می‌کند.

سیاه معمولاً به عنوان نماد ترس یا شیطان مورد استفاده قرار می‌گیرد اما به عنوان نشانگر قدرت نیز شناخته می‌شود. از رنگ سیاه برای نشان دادن شخصیت‌های خطرناک مثل دراکولا و یا جادوگران استفاده می‌شود.

رنگ سیاه در بسیاری از فرهنگ‌ها برای مراسم سوگواری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این رنگ همچنین نشانگر غمگینی، جذابیت و رسمی بودن است.

در مصر قدیم، رنگ سیاه نشانگر زندگی و تولد دوباره بود.

رنگ سیاه معمولاً به دلیل لاغر نشان دادن در نمایش‌های مد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲. روان‌شناسی رنگ سفید

رنگ سفید، نماد معصومیت و پاکی است.

رنگ سفید می‌تواند در انسان احساس فضای بیشتر به وجود آورد.

رنگ سفید معمولاً نشانگر سرما، پاکیزگی و آرامش است. اتفاقی که کاملاً به رنگ سفید نقاشی شده باشد ممکن است جادار و بزرگ به نظر آید اما خالی و سرد است. بیمارستان‌ها و کادر پزشکی از رنگ سفید برای ایجاد حس پاکیزگی استفاده می‌کنند.

۳. روان‌شناسی رنگ قرمز

رنگ قرمز، رنگ گرمی است که برانگیزاننده هیجانات قوی است.

رنگ قرمز، نشانگر عشق، حرارت و صمیمیت است.

رنگ قرمز، به وجود آورنده احساس شور و هیجان است.

رنگ قرمز، تحریک کننده احساس خشم و عصبانیت است.



۴. روان شناسی رنگ آبی

آبی، رنگ مورد علاقه بسیاری از مردم و محبوبترین رنگ در بین مردان است.

رنگ آبی، احساس آرامش را به ذهن می آورد و معمولاً نشانگر صلح، امنیت و نظم است.

رنگ آبی، می تواند احساس غم، درون گرایی یا گوشه گیری را در بعضی افراد به وجود آورد.

رنگ آبی معمولاً برای دکور دفاتر مورد استفاده قرار می گیرد زیرا تحقیقات نشان داده است که افراد در اتاق های آبی کارایی بیشتری دارند.

رنگ آبی با وجودی که از محبوبترین رنگ ها است اما یکی از رنگ هایی است که کمترین اشتها را بر می انگیزد. رنگ آبی می تواند باعث کاهش ضربان قلب و حرارت بدن گردد.